

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## ویژگی های فضه خادمه در روایات و منابع تاریخی

فاطمه اعتصامی رنانی<sup>۱</sup>

### چکیده

این مقاله، یک پژوهش مختصر، و فضیلت محور پیرامون شخصیت بی بدیل حضرت فضّه نوبیه، خادمه، راوی حدیث و شاگرد ممتاز مکتب حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) است. پژوهش حاضر، عامدانه از ورود به مباحث پیچیده و تخصصی علم رجال و نقد سندی، پرهیز کرده و تمام همت خود را بر استخراج، تبیین و تحلیل برخی فضائل، کرامات و مناقب ثبت شده در منابع معتبر روایی، تاریخی و تفسیری شیعه (و برخی منابع مورد استناد اهل سنت) متمرکز می نماید. هدف اصلی، ارائه تصویری روشن، منسجم و عمیق از جایگاه رفیع این بانوی بزرگ به عنوان محصول بی واسطه و حجت بالغه نظام تربیتی اهل بیت (علیهم السلام) است. مقاله در فصول مختلف، به بررسی ابعاد گوناگون شخصیت ایشان می پردازد: از حکمت ورود ایشان به بیت وحی و منشور کرامت انسانی در رفتار حضرت زهرا (علیها السلام) با ایشان؛ تا شراکت بی بدیل و قرآنی در واقعه نزول سوره انسان؛ غوص در اقیانوس علم و حکمت ایشان که در تکلم بیست ساله با قرآن و تسلط بر علم کیمیا تجلی یافت، و در نهایت، میراث جاودان ایشان در نسل پاک، آرامگاه نورانی و ادبیات غنی شیعی. این نوشتار در پی آن است تا نشان دهد که حضرت فضّه، نه فقط یک شخصیت تاریخی، بلکه الگویی کامل برای تمام سالکان طریق حقیقت در طول تاریخ است.

کلیدواژگان: حضرت فضّه نوبیه، فضائل، سوره انسان، تکلم با قرآن، ولایت پذیری.

---

۱. مقطع تحصیلی: ترم دوم سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴

رشته: دوره عمومی سطح ۲

شماره تحصیلی ۹۶۱۲۲۰۰۱۹۰

نام مدرسه: قم مرکز آموزش های غیر حضوری

پست الکترونیکی: ([sarir.hm313@gmail.com](mailto:sarir.hm313@gmail.com))

## مقدمه: پرتویی از کوثر، تجلی یک تربیت الهی

در آسمان پر ستاره تاریخ اسلام، در کهکشان بی‌انتهای اصحابی که گرداگرد شمس وجود حضرت ختمی مرتبت، محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و اقرار تابان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) حلقه زدند، نام برخی چنان می‌درخشد که خود به ستاره‌ای راهنما برای سالکان طریق حق و حقیقت بدل شده‌اند. یکی از درخشان‌ترین و پرفروغ‌ترین این ستارگان، بانوی جلیل‌القدر، عالمه، عارفه، مجاهده و راوی موثق حدیث، حضرت فضّه نوبیه است.

او که به ظاهر و در نگاه سطحی تاریخ‌نگاران، خدمتگزار خانه نورانی وحی بود، در حقیقت و در باطن امر، شاگردی ممتاز و دست‌پرورده‌ای بی‌بدیل در دانشگاه انسان‌سازی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بود؛ دانشگاهی که توانست از یک انسان تشنه حقیقت، اقیانوسی از علم، معرفت و کرامت بسازد. پرداختن به شخصیت بی‌نظیر حضرت فضّه، صرفاً بازخوانی یک داستان تاریخی و ذکر نام یک صحابی نیست؛ بلکه غواصی در اعماق اقیانوس بیکران فضائلی است که از چشمه جوشان کوثر فاطمی (علیها السلام) سرچشمه گرفته شده و در وجود پاک و مستعد او، تجلی یافته است. زندگی سراسر نور و برکت او، حجت بالغه الهی و برهان قاطع بر این حقیقت است که در مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، مرزهای ساختگی رنگ، نژاد، جغرافیا و جایگاه اجتماعی در هم می‌شکند و تنها ملاک راستین برتری و کرامت، تقوا، علم، اخلاص و ولایت‌پذیری محض است.

جامعه جاهلی عربستان، غرق در تعصبات قبیله‌ای و تفاخرات نژادی بود و برتری را در خون و نسب جستجو می‌کرد. در چنین فضایی، بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، انقلابی فرهنگی و ارزشی را رقم زد و با آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»، (حجرات: ۱۳) تمام معادلات باطل را بر هم زد و تقوا را به عنوان تنها معیار کرامت انسانی معرفی نمود. اما تبیین عملی و تجسم عینی این آیه، در رفتار و سیره اهل بیت (علیهم السلام) به اوج خود رسید. انتخاب و تربیت شخصیتی همچون حضرت فضّه، یک بانوی غیر عرب از سرزمین حبشه، و رساندن او به قله‌های رفیع کمال انسانی، خود، بزرگترین معجزه تربیتی و پیام جهانی این مکتب است.

این مقاله، که با قلمی سرشار از ارادت و با استناد به منابع معتبر روایی و تاریخی نگاشته شده، در صدد است تا غبار زمان را از چهره نورانی فضائل بی‌شمار این بانوی بزرگ بزدايد و نشان دهد که چگونه «مس

وجود» یک انسان، در کیمیای محبت و خدمت به خاندان وحی، به «طلای ناب» فضیلت، معرفت و کرامت مبدل می‌شود. ما در این نوشتار، عامدانه و با افتخار، تنها به مناقب، کرامات و فضائل ایشان خواهیم پرداخت تا جایگاه رفیع و مقام والای آن حضرت، آنچنان که شایسته است، برای طالبان حقیقت تبیین گردد.

## فصل اول: طلوع در بیت النور؛ حکمت ورود و آداب خدمت

ورود حضرت فضّه به خانه وحی، یک اتفاق ساده و پیش پا افتاده نبود، بلکه هر جزء از این ماجرا، سرشار از حکمت‌های الهی، درس‌های تربیتی و فضائل بی‌بدیل است که شخصیت او و عظمت مکتبی را که در آن رشد کرد، به نمایش می‌گذارد.

### نام «فضّه»

«فضّه» به معنای نقره می‌باشد. قطعاً نام اصلی او نباید عربی باشد و این نام را پیامبر بر ایشان گذاشته‌اند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۴۲) و شاید وجه تسمیه حضرت فضّه به این نام این باشد: «همانطور که نقره فلزی است که به مرور زمان نه زنگ می‌زند و نه دگرگون می‌شود، حضرت فضّه نیز چنین است که به مرور زمان از ولایت و محبتش به مولایانش نه کم می‌شود و نه تغییر می‌کند». (مرزوق، ۱۴۳۱، ص ۲۱)

### تبار و اصالت؛ پیامی جهانی در دل یک انتخاب

مشهورترین قول در میان مورّخان و صاحبان کتب سیره، آن است که حضرت فضّه، از اهالی «نوبه» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۲۸۱) در سرزمین حبشه (اتیوپی و قسمتی از سودان و اریتره و ... که در بعضی از زمان‌ها وسعتش بیشتر می‌شد و شامل مصر و بعضی از کشورهای دیگر هم می‌شد) بود.

«دُنْقَلَه» اسم دیگر «نوبه» است. نقل شده است که بلال حبشی نیز از نوبه بوده است. اهل نوبه بر دین مسیحیت بودند و در ایام حیض مقاربت نمی‌کردند و برای جنابت غسل می‌کردند و ختنه می‌کردند. و در مورد آنها در منابع اهل سنت روایاتی آمده است از جمله پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «خَيْرُ سَبِيكُمُ النَّوْبَةُ» و فرموده‌اند: «مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَخٌ، فَلْيَتَّخِذْ لَهُ أَخًا مِنَ النَّوْبَةِ». (حموی، ۱۹۷۹، ج ۵، ص ۳۰۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ص ۴۵۴)

این انتساب، خود به تنهایی یک فضیلت بزرگ و نمادین است. حبشه، سرزمینی بود که مردمانش به پاکی فطرت و صداقت شهرت داشتند و پادشاه عادل آن، نجاشی، اولین پادشاهی بود که به پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) ایمان آورد و از مهاجران مظلوم مسلمان در برابر ظلم قریش، با آغوش باز حمایت کرد. این سرزمین، پناهگاه امن اولین یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود و در فرهنگ اسلامی، نمادی از حق‌پذیری و عدل به شمار می‌رفت.

انتخاب الهی و ورود یک بانوی مؤمنه حبشی به مقدس‌ترین خانه عالم، یعنی بیت حضرت فاطمه (علیها السلام)، خطّ بطلانی بر تمام تفکرات نژادپرستانه و فرهنگ منحط جاهلی بود. در جامعه‌ای که تفاخر به قبیله و نژاد عربی یک ارزش محسوب می‌شد، این انتخاب، تجسم عینی و عملی آیه شریفه: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳) بود و به تمام تاریخ این پیام را داد که در دین خاتم، رنگ پوست و جغرافیا، پیشیزی ارزش ندارد و این قلب سلیم و تقوای الهی است که به انسان کرامت می‌بخشد.

البته در برخی منابع، روایات دیگری نیز مبنی بر شاهزاده بودن ایشان و انتساب به پادشاهان هند ذکر شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص ۲۷۳) اگرچه این روایات از شهرت و اعتبار قول اول برخوردار نیستند، اما در صورت صحّت نیز، فضیلت دیگری بر فضائل ایشان می‌افزایند؛ چراکه نشان می‌دهد او از عزّت و رفاه دنیوی چشم پوشیده و خدمت به آستان اهل بیت (علیهم السلام) را برگزیده است. اما آنچه مسلم و قطعی است، شرافت ذاتی و طینت پاکی بود که او را شایسته حضور در محضر بانوی دو عالم ساخت، فارغ از هر تبار و نژادی.

#### از تسبیحات فاطمی تا استجابت دعای نبوی؛ سیر معنوی ورود

داستان ورود ایشان به بیت وحی، یک داستان عادی از به خدمت گرفتن یک فرد نیست، بلکه یک سیر حکیمانه و پر از درس‌های معرفتی است. روایات معتبر نشان می‌دهند که هنگامی که حضرت علی و فاطمه، زوج آسمانی عالم، سنگینی و کثرت کارهای خانه را مشاهده کردند، با کمال حیا و فروتنی برای درخواست کمک به حضور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شرفیاب شدند. در آن زمان، کارهایی چون دستاس کردن گندم و جو، حمل آب از چاه و نظافت منزل، اموری طاقت‌فرسا و زمان‌بر بود.

اما با پاسخی شگفت‌انگیز و حکیمانه از سوی پدر مواجه گشتند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که همواره به فکر فقیرترین اقشار جامعه بودند و از راه فروش اسیران جنگی، مایحتاج حدود چهارصد نفر از اصحاب صُفّه (مهاجران فقیری که در ایوان مسجد النبی ساکن بودند) را تأمین می‌کردند، در آن لحظه حسّاس، اولویت را به رسیدگی به حال آن فقرا دادند و از دادن خادم امتناع ورزیدند. این خود درسی بزرگ در باب اولویت‌بندی و توجّه به مصالح عمومی جامعه اسلامی بود.

اما ایشان هرگز دختر عزیزتر از جانشان را دست خالی بازنگردانند. در عوض، هدیه‌ای معنوی و گنجی عرشی به ایشان عطا کردند که ارزش آن از تمام دنیا و مافیها برتر بود: تسبیحات معروف حضرت زهرا (علیها

السلام). ایشان فرمودند: این ذکر شریف (۳۴ مرتبه الله اکبر، ۳۳ مرتبه الحمد لله و ۳۳ مرتبه سبحان الله) را بگویند که برای شما از داشتن خادم بهتر و پربرکت تر است. حضرت زهرا (علیها السلام)، این اسوه رضا و تسلیم، با قلبی سرشار از شادی و رضایت، این هدیه آسمانی را پذیرفتند و به نقل تاریخ فرمودند: «رَضِیتُ عَنْ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ» (از خدا و رسولش راضی شدم). (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۶۶)

طولی نکشید که رضایت الهی از این صبر جمیل و ترجیح امر معنوی بر مادی، به شکلی دیگر تجلی یافت. آیه ای نازل شد و خداوند ضمن تأیید این روحیه والا، مساعدت و یاری رساندن به حضرت فاطمه (علیها السلام) را نیز امری پسندیده و موجب خشنودی خود اعلام کرد. آن گاه بود که به امر مستقیم الهی و به دستان مبارک پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله)، حضرت فضّه، که در یکی از جنگ ها به اسارت درآمده و اکنون به اسلام مشرف شده بود، برای خدمتگزاری به خانه نور فرستاده شد. این سیر حکیمانه نشان می دهد که حضور فضّه در آن خانه، نه یک امر عادی، بلکه پاداش الهی برای صبر و تسلیم فاطمی و استجابت دعای نبوی بود. او از همان ابتدا با برکت ذکر و تسبیح، و به عنوان هدیه ای آسمانی وارد این خانه شد و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ایشان را «فضّه» نامید. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۴۲)

#### تقسیم عادلانه کار؛ منشور کرامت انسانی در بیت فاطمی (علیها السلام)

یکی از درخشان ترین، مشهورترین و تکان دهنده ترین فضائل زندگی حضرت فضّه، نحوه رفتار بی بدیل بانوی دو عالم با ایشان است. حضرت زهرا (علیها السلام)، سیده زنان اولین و آخرین، امور طاقت فرسای خانه را با عدالتی بی نظیر با فضّه تقسیم کرده بودند: یک روز تمام کارها بر عهده ایشان بود و روز دیگر تماماً بر عهده فضّه. این رفتار، که در تاریخ بشریت و در فرهنگ های برده داری آن زهان و حتی امروز، بی سابقه و شبیه به یک معجزه اخلاقی است، فضّه را از جایگاه یک «کنیز» به مقام رفیع یک «عضو خانواده»، یک «همراه» و یک «همکار»، ارتقا داد. این درس عملی به تمام تاریخ بود که در مکتب اسلام، انسانیت، بر هر عنوان و جایگاه دیگری، ارجح و مقدم است.

روایت تکان دهنده صحابی بزرگ، سلمان فارسی، خود به تنهایی، یک منشور کامل حقوق بشر و کرامت انسانی است. سلمان نقل می کند که روزی وارد خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) شد و صحنه ای شگفت دید: حضرت فاطمه (علیها السلام) با یک دستاس گندم را آرد می کند و فرزند دلبدش، امام حسین (علیه السلام) که در آن زمان کودک بود، از گرسنگی در گهواره گریه می کند. سلمان با دلی سوخته عرض کرد: «ای دختر

رسول خدا(صلی الله علیه و آله)، چرا خود را به زحمت انداخته‌اید؟ این فضّه حاضر است، کارها را به او بسپارید!» حضرت زهرا(علیها السلام) با آرامشی ملکوتی که از رضایت به قضای الهی سرچشمه می‌گرفت، پاسخ دادند: «يَا سَلْمَانَ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَوْصَانِي أَنْ تَكُونَ الْخِدْمَةُ لَهَا يَوْمًا وَلِيَّ يَوْمًا، وَكَانَ أَمْسِ يَوْمَ خِدْمَتِهَا وَ الْيَوْمُ يَوْمُ خِدْمَتِي» (ای سلمان، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به من وصیت کرده که کارهای خانه یک روز بر عهده من باشد و یک روز بر عهده فضّه. دیروز نوبت او بود و امروز نوبت کار من است). (طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳، ص ۱۴۱)

این پاسخ کوتاه، اقیانوسی از عدالت، عطوفت، وفای به عهد و بزرگواری را در خود نهفته داشت و نشان می‌داد که در خانه حضرت فاطمه(علیها السلام)، فضّه نه یک خدمتکار تحت امر، که یک انسان با حقوق کامل و شخصیتی محترم است. این رفتار، روح فضّه را چنان تعالی بخشید که او نیز در روز نوبت خود، با جان و دل و با نهایت عشق و اخلاص به خدمت می‌پرداخت و در این همکاری مقدّس، خود را شریک اجر معنوی می‌دانست.



## فصل دوم: شراکت در عرش؛ تجلی فضائل در سوره جاودانه انسان

اگر بنا باشد تنها یک فضیلت برای اثبات مقام عرشی و جایگاه آسمانی حضرت فضّه اقامه شود، همان بس که او در یکی از بزرگترین فضائل تاریخ اسلام، یعنی واقعه‌ای که به نزول سوره مبارکه «انسان» (دهر) منجر شد، شریک و سهیم بوده است. این فضیلت آن‌چنان متواتر و قطعی است که به اتفاق مفسران بزرگ شیعه و بسیاری از علمای طراز اول اهل سنت همچون (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۹۹) در تفسیرش و (زمخشری، ۱۹۶۶، ج ۴، ص ۱۹۷) در «کشاف»، و (فخر رازی، بی‌تا، ج ۳۰، ص ۲۴۴) در «تفسیر کبیر» در کتب تفسیری و تاریخی نقل شده و از مسلمات و افتخارات بی‌بدیل خاندان وحی و یاران خاص ایشان به شمار می‌رود.

### نذر مشترک؛ هم‌عهدی عارفانه با معصومین

داستان از آنجا آغاز شد که سیدنا شباب اهل الجَنَّة، دو ریحانه رسول‌الله (صلی الله علیه و آله)، امام حسن و امام حسین (علیه السلام) در دوران کودکی بیمار شدند. قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین و حضرت زهرا (سلام الله علیها) از این بیماری آزرده شد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به همراه جمعی از اصحاب به عیادتشان شتافتند و با نگاهی سرشار از محبت، به امیرالمؤمنین (علیه السلام) پیشنهاد کردند که برای شفای این دو نور چشم، برای خداوند نذری کنند. در این لحظه آسمانی، عهدی بزرگ بسته شد:

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، باب علم نبی، فرمودند: «نذر می‌کنم اگر فرزندانم شفا یابند، سه روز برای رضای خدا روزه بگیرم.»

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، پاره تن پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز فرمودند: «من هم همین نذر را می‌کنم.»

و در این هنگام، «وَقَالَتْ جَارِيَتُهُمْ فَضَّةُ: إِنَّ بَرَأَ سَيِّدَايَ صُمْتُ لِلَّهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ» (و خدمتگزارشان فضّه نیز گفت: اگر دو سرورم شفا یابند، من هم برای خدا سه روز روزه خواهم گرفت).

این نکته بسیار حائز اهمیت و شگرف است. فضّه نه از روی دستور یا تقلید، بلکه با اراده، اختیار و معرفت کامل، روح خود را با روح مولایانش گره زد و در این عهد الهی با معصومین شریک شد. این اقدام، نشان‌دهنده اوج هم‌سویی روحی، کمال معرفت و فنای او در محبت اهل بیت (علیهم السلام) بود. او خود را

جزئی از این خانواده می‌دانست و در غم و شادی و عبادت ایشان، خود را شریک می‌دید. این همان مقامی است که از تربیت مستقیم در خانه نور حاصل می‌شود.

### ایثار سه روزه؛ ضیافت آسمانی در اوج فقر زمینی

پس از شفای کامل دو کودک به دعای اهل بیت (علیهم السلام)، زمان وفای به نذر فرا رسید. اما در خانه سرور کائنات، هیچ آذوقه‌ای یافت نمی‌شد. حضرت علی (علیه السلام)، سه صاع جو از یک یهودی به نام شمعون خیبری قرض گرفتند. حضرت زهرا (علیها السلام)، بانوی بزرگ اسلام، خود به پای دستاس نشستند و هر روز یک‌سوم آن جو را آرد کرده و پنج قرص نان پختند؛ به تعداد اعضای خانواده: یک قرص برای امیرالمؤمنین (علیه السلام)، یکی برای خودشان (علیها السلام)، یکی برای امام حسن (علیه السلام)، یکی برای امام حسین (علیه السلام) و یک قرص برای فضّه. اما در هر سه روز، هنگام افطار، درست در لحظه‌ای که پس از یک روز گرسنگی، قصد گشودن روزه خود را داشتند، امتحانی الهی بر در خانه حاضر شد و ضیافتی آسمانی برپا گشت:

### شب اول:

فقیری بینوا (مسکین) بر در خانه آمد و با ناله‌ای سوزناک فریاد برآورد: «السلام علیکم یا اهل بیت محمد (صلی الله علیه و آله)! مسکین من مساکین المسلمین، أطمعونی أطمعکم الله من موائد الجنة» (سلام بر شما ای اهل بیت محمد (صلی الله علیه و آله)! من مسکینی از مسلمانانم، به من طعام دهید، خداوند از طعام‌های بهشتی به شما بدهد). این خانواده کرم، به یکدیگر نگریستند و بدون ذره‌ای تردید، تمام پنج قرص نان، یعنی تمام سرمایه افطارشان را به او بخشیدند و خود با جرعه‌ای آب افطار کردند.

### شب دوم:

یتیمی از فرزندان مهاجرین بر در خانه آمد و طلب غذا کرد و گفت: «السلام علیکم یا اهل بیت محمد (صلی الله علیه و آله)! یتیم من یتامی المهاجرین...». بار دیگر، تاریخ، شاهد ایثاری بی‌نظیر بود. تمام سهم افطار آن شب نیز به آن یتیم داده شد و اهل خانه، از جمله حضرت فضّه، برای دومین شب متوالی، با شکمی گرسنه و قلبی سرشار از عشق به خدا، با آب، روزه گشودند.

### شب سوم:

اسیری که تازه از بند رها شده بود و جایی برای رفتن و غذایی برای خوردن نداشت، به در خانه رحمت پناه آورد. برای سومین بار، آن خاندان کرم، تمام غذای خود را بی‌منت به او بخشیدند و سه شبانه‌روز کامل را بدون هیچ قوتی جز آب سپری کردند.

در تمام این سه شب، حضرت فضّه نه تنها شاهد، بلکه شریک افعال این ایثار بی‌نظیر بود. او نیز قرص نان خود را، که سهم افطارش پس از یک روز روزه‌داری بود، با طیب خاطر و با همان اخلاص مولایانش، تقدیم نیازمندان کرد.

### نزول وحی؛ امضای ابدی خداوند بر طومار فضائل

روز چهارم، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به خانه دخترشان آمدند و وقتی حسنین (ع) را دیدند که از شدت گرسنگی به خود می‌لرزیدند و به آغوش پدرشان پناه برده‌اند، قلبشان به درد آمد. در همین لحظه ملکوتی، امین وحی، جبرئیل، بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد و در حالی که لبخند رضایت الهی را بر لب داشت، فرمود: «ای محمد (صلی الله علیه و آله)! خداوند به داشتن چنین اهل بیتی (علیهم السلام) بر تو تهنیت می‌گوید! بگیر آنچه را خداوند در شأن ایشان نازل کرده است!» و آنگاه، شاهکار ایثار این خانواده را با آیاتی زرین و جاودانه از سوره انسان، برای همیشه در تاریخ ثبت کرد:

«إِنَّ لِلْأَبْرَارِ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا... يُوفُونَ بِالْغَدْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِرِجَالِهِ اللَّهُ لَا نُريدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا...» (انسان: ۵-۱۲)

این آیات، سند افتخار ابدی حضرت فضّه است. استفاده از افعال و ضمائر جمع (ابرار، یشربون، یوفون، یطعمون، نطعمکم، وقاهم، جزاهم) در این آیات، به روشنی و بدون هیچ شک و شبهه‌ای اثبات می‌کند که حضرت فضّه نیز مشمول مستقیم این مدح بی‌نظیر الهی است. خداوند او را رسماً در زمره «ابرار» (نیکان مطلق) قرار می‌دهد، بر وفای به نذر او مهر تأیید می‌زند، بر اخلاص او با آیه «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِرِجَالِهِ» (اللّه) شهادت می‌دهد، و پاداش او را نیز در کنار اهل بیت (علیهم السلام)، بهشت و حریر و لقای الهی اعلام

می‌کند. این فضیلت، به تنهایی برای اثبات مقام عرشی حضرت فضّه، کافی و وافی است و او را در جایگاهی قرار می‌دهد که کمتر صحابی‌ای به آن دست یافته است. (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص. ۲۵۶)

## فصل سوم: اقیانوس علم و حکمت؛ از تکلم به قرآن تا علم کیمیا

مقامات حضرت فضّه تنها به عبادت، ایثار و خدمت خالصانه محدود نمی‌شد. او در اثر همنشینی دائمی با دو سرچشمه علم الهی، یعنی باب علم نبی، امیرالمؤمنین (علیه السلام)، و پاره تن نبی، حضرت زهرا (علیها السلام)، خود به دریایی مواج از دانش، حکمت و معرفت بدل شده بود. او نه تنها راوی حدیث از حضرت زهرا (علیها السلام) بود، بلکه خود به مقامی از حکمت رسید که در تاریخ بی‌نظیر است.

### بیست سال تکلم با قرآن؛ معجزه زنده کلام

شگفت‌انگیزترین، بی‌بدیل‌ترین و مشهورترین فضیلت علمی ایشان، انس وجودی و فنای کامل او در قرآن کریم بود. داستان مواجهه عالم بزرگ، عبدالله بن مبارک، با ایشان در راه حج، که در منابع متعددی از جمله «بحارالانوار» و «مناقب آل ابی طالب» نقل شده، یک معجزه زنده و گواه صادق بر این مقام است. عبدالله با جزئیات نقل می‌کند که در مسیر مکه از قافله حج عقب ماند و بانویی را در بیابان دید که جامه‌ای پشمین بر تن داشت. او می‌گوید گفتگوی طولانی من با این بانو، تماماً با آیات قرآن صورت گرفت:

- عبدالله: السلام علیکم و رحمه الله و برکاته.
- فضّه: «سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ». (یس: ۵۸) (سلامی [که] گفتاری است از پروردگاری مهربان).
- عبدالله: خدا تو را رحمت کند، اینجا در این بیابان چه می‌کنی؟
- فضّه: «وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّضِلٍّ». (زمر: ۳۷) (و هر که را خدا هدایت کند، هیچ گمراه‌کننده‌ای برای او نخواهد بود). (عبدالله فهمید که راه را گم کرده است).
- عبدالله: از جن هستی یا از انس؟
- فضّه: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ». (اعراف: ۳۱) (ای فرزندان آدم! زینت خود را در هر مسجدی بگیرید). (عبدالله فهمید که از آدمیان است).
- عبدالله: از کجا می‌آیی؟
- فضّه: «يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ». (فصلت: ۴۴) (از مکانی دور ندا داده می‌شوند). (فهمید از راه دوری می‌آید).
- عبدالله: به کجا می‌خواهی بروی؟

- فضّه: «وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا». (آل عمران: ۹۷) (و برای خدا بر مردم است [که] آهنگ خانه [او] کنند، آنان که توانایی راه یافتن به سوی آن را دارند). (فهمید عازم حج است).

- عبدالله: چند روز است که از قافله جدا شده‌ای؟

- فضّه: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ». (ق: ۳۸) (و به راستی آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است در شش روز آفریدیم). (عبدالله با تعجب فهمید که شش روز است که تنها در بیابان است).

- عبدالله: آیا گرسنه‌ای؟ می‌خواهی غذایی به تو بدهم؟

- فضّه: «وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ». (انبیاء: ۸) (و آنان را جسدی که غذا نخورند قرار ندادیم). (فهمید به غذا نیاز دارد، اما وقتی خواست غذا دهد...)

- فضّه: «ثُمَّ اَتَمُّوا الصِّيَامَ اِلَى اللَّيْلِ». (بقره: ۱۸۷) (سپس روزه را تا شب به اتمام رسانید). (فهمید که روزه است).

این گفتگوی شگفت‌انگیز با ده‌ها سوال و جواب قرآنی دیگر ادامه یافت تا اینکه عبدالله بن مبارک کاروانی را از دور دید.

- عبدالله: آن کاروان چیست؟

- فضّه: «وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ». (نحل: ۱۶) (و نشانه‌هایی [قرار داد] و آنان به وسیله ستاره راه می‌یابند). (فهمید که کاروان راهنمایی برای اوست).

وقتی کاروان نزدیک شد و عبدالله فهمید که فرزندان فضّه در آن هستند، فضّه رو به فرزندانش کرد و با اشاره به عبدالله فرمود: «يَا اَبَتِ اسْتَاْجِرْهُ اِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَاْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْاَمِينُ». (قصص: ۲۶) (ای پدر، او را به کار گیر، که بهترین کسی که به کار می‌گیری، فردی نیرومند و امین است). و سپس به آنها گفت تا از مرد تشکر کنند: «هَلْ جَزَاءُ الْاِحْسَانِ اِلَّا الْاِحْسَانُ». (الرحمن: ۶۰) (آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟).

فرزندانش به عبدالله که در بهت و حیرت فرو رفته بود، توضیح دادند که: «مادر ما بیست سال است که جز با آیات قرآن سخن نمی‌گوید و با هیچ کلامی غیر از قرآن، لب به سخن نمی‌گشاید.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۴۴)

این فضیلت، یک حافظه قوی یا یک مهارت ادبی نیست. این مقام رفیع «فناى در كلام الله» است. يعنى وجود شخص آنچنان با قرآن عجین شده که کلام، فکر و اراده او، انعکاس مستقیم کلام، فکر و اراده الهی است. این همان حکمت و علم لدنی است که محصول مستقیم زندگی شبانه‌روزی در کنار «قرآن ناطق» (امیرالمؤمنین (علیه السلام)) و «کوثر قرآن» (حضرت زهرا (علیها السلام)) بود.

### علم کیمیا؛ قدرت تصرف در عالم و اوج زهد در عمل

ابن شهر آشوب در کتاب گرانسنگ «مناقب آل ابی طالب» و قطب راوندی در «الخرائج و الجرائح» کرامتی را نقل می‌کنند که نشان‌دهنده دسترسی حضرت فضّه به علوم الهی و اسرار عالم است. روزی که فقر و تنگدستی شدید بر خانه اهل بیت (علیهم السلام) سایه افکنده بود و چیزی برای خوردن یافت نمی‌شد، فضّه با دلی نگران از این وضعیت، به گوشه‌ای از خانه رفت و مقداری خاک را برداشت، با آب مخلوط کرد و در ظرفی حرارت داد. در کمال شگفتی، آن خاک و آب به شمش طلای ناب تبدیل شد.

اما اوج این فضیلت، نه در توانایی شگفت‌انگیز کیمیاگری، بلکه در عمل بعدی او و درس بزرگ امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. او با خلوص نیت، طلا را نزد مولایش علی (علیه السلام) آورد تا گشایشی در زندگی ایشان حاصل شود. حضرت نگاهی به طلا کردند و با لبخندی که اقیانوسی از معنا در آن بود، فرمودند: «أَحْسَنْتِ يَا فَضَّةُ لَكِنْ لَوْ أَذْبَتِ الْجَسَدُ لَكَانَ الصَّبْغُ أَعْلَى وَالْقِيمَةُ أَعْلَى» (آفرین، ای فضّه! اما اگر جسم را ذوب می‌کردی، رنگ (یا کیفیت آن) برتر و ارزش آن بیشتر می‌شد). (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص ۲۷۳)

این داستان، دو پیام بزرگ و مکمل دارد:

۱. **ظرفیت علمی و معنوی:** فضّه به چنان مقامی از پاکی و معرفت رسیده بود که ظرفیت دریافت و اجرای علوم غریبه و الهی، مانند علم کیمیا را داشت. این نشان می‌دهد که درهای علم اهل بیت (علیهم السلام) به روی شاگردان مستعد و خالصشان باز است.

۲. **کیمیای حقیقی:** فضیلت بزرگتر و درس اصلی، زهد و بی‌اعتنایی کامل به این قدرت دنیوی بود. فضّه و مولایانش به ما آموختند که کیمیای حقیقی، نه تبدیل خاک به طلا، بلکه تبدیل نفس اماره به

---

۱. «جسد» اصطلاح است در این زمان بین اهل کیمیا از برای فلزات معدنیه حجریه. محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۳۲۰.

نفس مطمئنه و تبدیل عشق به دنیا به عشق الهی است. فضّه، این کیمیای بزرگتر را به خوبی آموخته بود و با وجود قدرت، فقر را برگزید.

#### استجابت فوری دعا با کلمات نورانی نبوی

کرامت دیگری که از ایشان نقل شده و نشان از اتصال مستقیم او به منبع فیض الهی دارد، داستان تهیه هیزم است. روزی که برای آوردن هیزم به صحرا رفته بود، دسته هیزم سنگینی را جمع آوری کرد اما از بلند کردن و حمل آن به خانه ناتوان ماند. در آن لحظه ناامیدی، به جای شکایت، به ریسمان محکم دعا چنگ زد و دعای گهرباری را که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به او آموخته بودند، بر زبان جاری کرد:

«يَا وَاحِدُ لَيْسَ كَمِثْلِهِ أَحَدٌ! تُمِيتُ كُلَّ أَحَدٍ وَ تُفْنِي كُلَّ أَحَدٍ وَ أَنْتَ عَلَى عَرْشِكَ وَاحِدٌ، لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ.» (ای یگانه‌ای که هیچ‌کس مانند او نیست! هر کسی را می‌میرانی و هر کسی را فانی می‌کنی و تو بر عرش خود یگانه‌ای، که نه خواب سبک و نه خواب سنگین تو را فرا نمی‌گیرد).

به محض اینکه این کلمات نورانی بر لبان پاک او جاری شد، مردی عرب با چهره‌ای نورانی از غیب ظاهر شد، گویی که برای همین کار فرستاده شده بود. او بدون هیچ سخنی، بار سنگین هیزم را بر دوش گرفت و آن را تا در خانه حضرت زهرا (علیها السلام) حمل کرد و ناپدید شد. این واقعه نشان می‌دهد که او نه تنها حامل ادعیه خاص نبوی، بلکه به چنان درجه‌ای از خلوص و یقین رسیده بود که دعایش در لحظه و بدون هیچ فاصله‌ای به هدف اجابت می‌رسید. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۲۸۲)



## فصل چهارم: قله رفیع وفاداری و صبر؛ از دفاع در بیت وحی تا کرامت جاری در نسل

وفاداری و عشق بی قید و شرط به اهل بیت (علیهم السلام)، از بارزترین ویژگی‌های اصحاب خاص ایشان است. حضرت فضّه در این میدان نیز گوی سبقت را از بسیاری ربود و نام خود را به عنوان نماد یک یار وفادار، شجاع و صبور در تاریخ به ثبت رساند.

### سپر بلای صدیقۀ طاهره (سلام الله علیها) در روز هجوم

اوج وفاداری، شجاعت و عشق حضرت فضّه، در تلخ‌ترین و تاریک‌ترین روزهای تاریخ اسلام، یعنی پس از رحلت جانسوز پیامبر (صلی الله علیه و آله) و در واقعه هجوم ددمنشانه به خانه وحی، متجلی شد. او در آن روزهای پر از فتنه و نفاق، چون کوهی استوار و چون شیر غرّان در کنار مولایش، حضرت فاطمه (علیها السلام) ایستاد. روایات معتبر و جانسوز، حاکی از آن است که وقتی مهاجمان به خانه هجوم آوردند، درب خانه را آتش زدند و حضرت زهرا (علیها السلام) بین در و دیوار مجروح شدند و دردناک‌تر از همه، میوه دلشان، حضرت محسن (علیه السلام) سقط شد. این حضرت فضّه بود که خود را به بانوی مجروح و نیمه‌جانش رساند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۰، ص ۲۹۴)

### هم‌نشین وداع آخر و محرم اسرار اهل بیت (علیهم السلام)

در روایتی که در بحارالانوار آمده و بیانگر اوج قربت، محبوبیت و جایگاه خانوادگی فضّه نزد اهل بیت (علیهم السلام) است، نقل شده که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آن شب غم‌انگیز و هنگام آخرین وداع با پیکر مطهر و مجروح حضرت زهرا (علیها السلام)، فرزندان یتیم و داغدار را صدا زدند و در کنار نام جگرگوشه‌هایشان، نام فضّه را نیز بر زبان آوردند و فرمودند: «يَا أُمَّ كَلْثُومٍ، يَا زَيْنَبُ، يَا سَكِينَةَ، يَا فَضَّةَ، يَا حَسَنَ، يَا حُسَيْنَ (علیهم السلام)! هَلُمُّوا تَزَوَّدُوا مِنْ أُمِّكُمْ...» (ای ام‌کلثوم، ای زینب، ای سکینه، ای فضّه، ای حسن، ای حسین (علیهم السلام)، بیایید و از مادرتان توشه بردارید...).

قرار گرفتن نام «فضّه» در این ردیف مقدّس و در این لحظه عرشی و جانسوز، خود به تنهایی اقیانوسی از معناست و گویای مقامی است که او در آن خانه داشت. او دیگر یک خادمه در معنای رایج نبود، بلکه به شهادت کلام امام معصوم (علیه السلام)، محرم اسرار، شریک غم‌ها و یکی از اعضای حقیقی آن بیت نورانی

محسوب می‌شد. این فضیلت، نشان‌دهنده عمق نفوذ محبت و اعتماد اهل بیت (علیهم السلام) به این بانوی باوفا است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۷۹)

#### دعای گهربار امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حق او

و چه فضیلتی می‌تولند بالاتر از آن باشد که حجت مطلق خدا و امام متقیان، علی بن ابی‌طالب (علیه السلام)، زبان به دعا برای شخصی بگشاید. نقل شده است که حضرت علی (علیه السلام) با نگاهی سرشار از رضایت و محبت، در مورد ایشان فرمودند: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي فَضِّتِنَا» (ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۸۰) (خداوندا، در فضه ما برای ما برکت قرار بده).

این دعای کوتاه و پر مغز، اقیانوسی از معنا را در خود دارد. «بارک لنا» (برای ما برکت ده) نشان می‌دهد که برکت وجود فضّه، خیری برای خود اهل بیت (علیهم السلام) نیز محسوب می‌شده است. این دعا، یک تضمین الهی برای برکت در وجود، در نسل، در علم، در عمل و در عاقبت حضرت فضّه است و نشان از رضایت کامل مولای متقیان از این شاگرد وفادار، مجاهد و خالص دارد.

#### تداوم کرامت و برکت در نسل پاک او

برکت همان دعای امیرالمؤمنین (علیه السلام) و نفس قدسی خود حضرت فضّه، در نسل پاک ایشان نیز تجلّی یافت. حضرت فضّه پس از شهادت حضرت زهرا (علیها السلام)، به دستور امام علی (علیه السلام) با ابو ثعلبه و پس از وفات او، با ابوملیک غطفانی ازدواج کرد و صاحب فرزندانی صالح شد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۶۱) کرامتی شگفت‌انگیز از نوّه ایشان، «شهره بنت مُسَکَه بنت فضّه»، توسط مالک بن دینار، نقل شده است. او می‌گوید: در راه حج، شهره را دیدم که مرکبش از حرکت بازمانده بود. او سر به آسمان بلند کرد و با مناجاتی خالصانه با خداوند، مرکبی بهشتی از غیب برایش حاضر شد. این داستان شگفت‌انگیز نشان می‌دهد که چشمه زلال معنویت و کرامت حضرت فضّه، در نسل پاک و مطهر او نیز جاری و ساری بوده است. (همان، ج ۳، ص ۳۳۸).

## فصل پنجم: میراث جاودان؛ از آرامگاه نورانی تا الگویی برای تمام دوران

نام و یاد حضرت فضّه نه تنها در کتب تاریخ و حدیث، بلکه در قلب‌ها، زیارتگاه‌ها و ادبیات شیعه برای همیشه جاودان مانده است.

### آرامگاه در باب الصغیر؛ میعادگاه ابدی عاشقان

قرن‌هاست که گنبدی سبز و باصفا در قبرستان تاریخی و مقدّس باب الصغیر در دمشق، پایتخت سوریه، میعادگاه زائران و عاشقان اهل بیت (علیهم السلام) از سراسر جهان است. (فائدان، ۱۳۸۰، ص. ۴۷) این بارگاه منور، مقبره مطهر و منسوب به حضرت فضّه نوییه است. وجود این آرامگاه که در طول تاریخ، همواره مورد احترام، زیارت و توسّل بوده، خود شاهدی گویا بر جاودانگی نام و یاد و عظمت مقام این بانوی بزرگوار است. زائران در کنار این مرقد نورانی، نه تنها به یک شخصیت تاریخی، بلکه به نماد یک عمر خدمت خالصانه، وفاداری بی‌مثال، علم لدنی و تربیت بی‌نظیر فاطمی ادای احترام می‌کنند و از روح بلند او استمداد می‌جویند.

### تجلی در آینه فیاض شعر و ادب آئینی

عظمت شخصیت و مقام معنوی حضرت فضّه چنان است که در وجدان ادبی و فرهنگی شیعه، جایگاهی رفیع و بی‌بدیل یافته است. شاعران، ادیبان و عارفان بزرگ، همواره از او به عنوان نمادی از کیمیاگری معنوی، تربیت الهی و اوج بندگی خالصانه یاد کرده‌اند.

فقیه و عارف بزرگ، علامه محمدحسین غروی اصفهانی (مشهور به کمپانی)، در ارجوزه خود در مدح حضرت زهرا (علیها السلام) چنین می‌سراید: (غروی اصفهانی، ۱۳۶۷، ص. ۴۰)

مفتقرا متاب روی از در او به هیچ سوی      زانکه مس وجود را فضّه او طلا کند

در این بیت، «فضّه»، دیگر فقط نام یک شخص نیست، بلکه استعاره‌ای از «کیمیای معنوی» و نمونه هر انسانی است که در دستگاه اهل بیت (علیهم السلام) تربیت یافته و می‌تواند هر وجود کم‌ارزشی را به طلای ناب معرفت مبدّل کند.

مرتضی طائی نیز در منقبت حضرت زهرا (علیها السلام) چنین سروده: (احمدی بیرجندی، ۱۳۷۹،

ص. ۱۰۴)

عصمت داور تویی و عفت کبری

زهرة ازهر تویی و طهره اطهر

قنبر درگاه تو مدرّس عیسی

فضّه دربار تو مربّی مریم

در این نگاه عمیق عارفانه، مقام فضّه در آستان فاطمی به اوج جایگاه عظمت و شکوه رسیده و شایستگی یافته که در مقام تربیت خاصّان الهی، برترین الگوی علم و معرفت را به بزرگ بانویی چون حضرت مریم عذرا(علیها السلام) برساند. این تعبیر، اوج مقام و منزلت فضّه را در فرهنگ شیعی به نمایش می‌گذارد.

#### فضّه؛ الگویی کامل و جاودانه برای همیشه

بازخوانی زندگی و فضائل بی‌شمار حضرت فضّه، تنها مرور یک گذشته پرافتخار نیست، بلکه ترسیم یک نقشه راه روشن و کاربردی برای آینده و برای تمام کسانی است که به دنبال سعادت حقیقی و کمال انسانی هستند:

- **الگوی رشد و تعالی بی‌حد:** او با زندگی خود ثابت کرد که هیچ مانع مادی، نژادی، زبانی یا طبقاتی نمی‌تواند سدّ راه رسیدن به بالاترین قله کمال شود، اگر انسان خود را به ریسمان محکم ولایت اهل بیت(علیهم السلام) متّصل کند.
- **الگوی انس حقیقی با قرآن:** او به ما آموخت که قرآن نه فقط کتابی برای خواندن و تبرک جستن، که کتابی برای زیستن، اندیشیدن و سخن گفتن است. او به ما نشان داد که باید کلام وحی در تار و پود زندگی ما جاری و ساری شود.
- **الگوی ولایت‌پذیری محض و عاشقانه:** رمز موفقیت و اکسیر سعادت فضّه، تسلیم، اطاعت، محبت و عشق بی‌قید و شرط به مولایانش بود.
- **الگوی خدمت خالصانه و بی‌منت:** او به ما نشان داد که بالاترین و زیباترین عبادت‌ها می‌تواند در قالب خدمت بی‌منت و خالصانه به خلق خدا و به ویژه به اولیای برحقّ او تجلّی یابد.

### نتیجه‌گیری نهایی: فضّه، حجت بالغه مکتب فاطمی

حضرت فضّه نوییه، شخصیتی فراتر از یک نام در اوراق تاریخ است. او محصول مستقیم، بی‌واسطه و درخشان مکتب تربیتی حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام) و برهان قاطع و حجت بالغه‌ای بر قدرت انسان‌سازی بی‌نظیر اهل بیت عصمت و طهارت(علیهم السلام) است.

او که با دعای نبوی، کرامت می‌آفریند، با یک نذر خالصانه، شریک «ابرار» در نصّ صریح قرآن می‌شود. مجموعه‌ای بی‌نظیر و شگفت‌انگیز از فضائل است که در وجود یک انسان پاک و مستعدّ به ودیعه گذاشته شده است. او آینه تمام‌نمای عدالت فاطمی، علم علوی و رحمت نبوی است. زندگی او پاسخی کوبنده به تمام تفکرات نژادپرستانه، طبقاتی و مادی‌گراست و ثابت می‌کند که در اسلام حقیقی، تنها ملاک برتری، گوهر تقوا و ولایت است.

بازشناسی شخصیت جامع و مقامات والای ایشان، در حقیقت بازشناسی ظرفیت‌های عظیم و بی‌انتهای مکتب اهل بیت(علیهم السلام) در تربیت انسان کامل است. حضرت فضّه، آینه‌ای شفاف و زلال است که در آن می‌توان گوشه‌ای از عظمت بی‌کران بانوی دو عالم، حضرت زهرا(علیها السلام)، و عدالت، انسانیت و عرفان امیرالمؤمنین(علیه السلام) را به تماشا نشست.

سلام و درود بی‌پایان خداوند، فرشتگان و همه پاکان عالم، بر روح بلند و مطهر او باد.

## کتابنامه:

قرآن کریم.

۱. احمدی بیرجندی، ا، (۱۳۷۹ش)، مناقب فاطمی در شعر فارسی، آستان قدس.
۲. غروی اصفهانی، م، (۱۳۶۷ش)، دیوان کمپانی، دارالکتب الاسلامیه.
۳. قائدان، ا، (۱۳۸۰ش)، اماکن سیاحتی و زیارتی دمشق، مشعر.
۴. محلاتی، ذ، (بی تا)، ریاحین الشریعه در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه، دارالکتب الاسلامیه.
۵. ابن بابویه، م، (۱۳۷۶ش) امالی، تهران، کتابچی.
۶. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۵ش)، علل الشرایع، کتابفروشی دآوری.
۷. ابن حجر عسقلانی، ا، (۱۴۱۵ق)، الإصابه، دارالکتب العلمیه.
۸. ابن حمزه طوسی، م، (۱۴۱۹ق)، الثاقب فی المناقب، انصاریان.
۹. ابن شهر آشوب، م، (۱۳۷۹ق)، مناقب ابن ابی طالب، علامه.
۱۰. ثعلبی، ا، (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن (معروف به تفسیر ثعلبی)، دار الاحیاء التراث العربی.
۱۱. حسون، م، ام علی مشکور، (۱۴۲۱ق) اعلام النساء المؤمنات، اسوه.
۱۲. طبری آملی صغیر، م، (۱۴۱۳ق)، دلائل الامامه، بعثت.
۱۳. زمخشری، م، (۱۹۶۶م)، الكشف (عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل)، شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابي الحلبي وأولاده بمصر.
۱۴. فخر رازی، م، (بی تا) التفسیر الکبیر، (مفاتیح الغیب)، بی نا.
۱۵. مجلسی، م، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الأطهار، مؤسسه الوفاء.
۱۶. مرزوق، ف، (۱۴۳۱ق)، نفحات من حیاة فضة خادمة فاطمة الزهراء، دارالعلوم للتحقیق و الطباعة و النشر و التوزیع.
۱۷. یاقوت حموی، (۱۹۷۹م) معجم البلدان، دار احیاء التراث العربی.
۱۸. زبیدی، م، (۱۴۱۴)، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر.